مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

آمریکا به میانه‌روها در ایران کمک می‌کند

Bloomberg VIEW

الی لیک و جاش روگین: کاخ سفید سطح توقعاتش را برای توافق هسته‌ای با ایران پایین آورده است. دولت اوباما برای آنهایی که امیدوارند توافق هسته‌ای با ایران بتواند مانع دولت ایران برای بی‌ثبات کردن خاورمیانه شود یا باعث آزادی زندانیان سیاسی در این کشور شود خبر بدی دارد و آن این است که این توافق فقط توافقی برای کنترل تسلیحاتی است. طبق جزئیات مربوط به توافق پیشنهادی که از مذاکرات روز دوشنبه هفته گذشته در ژنو درز پیدا کرده است، مقامات دولت آمریکا از کشورهای جهان می‌خواهند فقط درباره جنبه‌های فنی توافق هسته‌ای نهایی قضاوت کنند و نه درباره اینکه آیا این توافق موجب ایجاد اصلاحات در ایران می‌شود یا خیر. «ماری هارف»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «تنها موردی که در توافق جامع با ایران مدنظر است چگونگی رسیدن به زمان فرار هسته‌ای یک‌ساله و قطع راه‌هایی است که ایران می‌تواند از طریق آنها، مواد کافی برای ساخت سلاح هسته‌ای را به دست آورد. اگر ما به توافق برسیم آن پایه و اساسی خواهد بود که مردم بتوانند درباره ارزش‌های فنی آن و نه چیز دیگر قضاوت کنند».

هارف در پاسخ به سوالی درباره فواید توافق و اینکه آیا می‌تواند به پرزیدنت حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در مقابل تندروها کمک کند و موجب ایجاد اصلاحات شود یا نه، گفت: «این کاملا مسخره و بی‌ربط است». باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ گفت: «می‌خواهم با ایران تعامل کنم اما برای رسیدن به این هدف راه زیادی در پیش است». در آن زمان بسیاری از طرفداران تعامل با ایران گفتند توافق هسته‌ای می‌تواند به تعدیل رفتار خودسرانه ایران کمک کند. بعد از پیام نوروزی اوباما در سال ۲۰۰۹ رژیم ایران تعداد زیادی از معترضان به انتخابات ریاست جمهوری را بازداشت کرد. در سال ۲۰۱۱ ایران درگیر جنگ داخلی در سوریه شد. امسال اثر انگشت ایران در براندازی دولت طرفدار آمریکا در یمن و خشونت شبه‌نظامیان شیعه در عراق دیده می‌شود. با توجه به این سابقه به راحتی می‌توان فهمید چرا دولت اوباما اکنون فقط بر فواید عدم گسترش هسته‌ای در توافق با ایران متمرکز شده است. یک مقام ارشد گفت: «استدلال کاخ سفید مبتنی بر آشتی تمام و کمال با ایران نیست بلکه آشکارا می‌گوید هر توافقی با ایران نگرانی‌های ما را در رابطه با سیاست‌های منطقه‌ای این کشور کاهش نخواهد داد».

بسیاری از طرفداران توافق با ایران می‌گویند یکی از فواید توافق این است که برداشتن مرحله‌ای تحریم‌ها همراه با کاهش خصومت بین ایران و آمریکا ـ که سران ایران آن را شیطان بزرگ می‌نامند ـ می‌تواند با گذشت زمان به میانه‌روها در ایران کمک کند و منجر به ایجاد اصلاحاتی شود. این می‌تواند استدلال محکمی برای توافقی باشد که احتمالا با مخالفت‌های زیادی از سوی جمهوریخواهان و بسیاری از دموکرات‌ها روبه‌رو خواهد بود: آنهایی که نگرانند نمایندگان اوباما به ایران اجازه دهند بسیاری از تاسیسات هسته‌ای‌اش را که برای ساخت سلاح لازم است حفظ کند. «گری سیمور»، هماهنگ‌کننده کاخ سفید برای کنترل تسلیحاتی و سلاح‌های کشتار جمعی گفت: «توافق هسته‌ای که تحریم‌ها را بردارد و تنش با ایران را کاهش دهد به نفع میانه‌روها خواهد بود و این احتمال را که ایران در دوران توافق تمایل به ساخت سلاح هسته‌ای نداشته باشد، بیشتر می‌کند». البته او اذعان کرد تضمینی برای این امر وجود ندارد اما خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در نبود توافق بیشتر می‌شود.

پایگاه اینترنتی بلومبرگ ویو

تشدید تنش در روابط آمریکا و اسرائیل بر سر ایران

AP

سباستین شایتر: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به تازگی قدرت‌های جهان را به کنار آمدن با ادامه تلاش‌های ایران برای ساخت تسلیحات هسته‌ای متهم کرده است. این اظهارات موجب تشدید اختلافات فزاینده بین آمریکا و اسرائیل شده است.

این در حالی است که مقامات ایران و آمریکا از پیشرفت در مذاکرات اخیر برای دستیابی به توافقنامه‌ای خبر داده‌اند که موجب محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران دست‌کم تا ۱۰ سال خواهد شد اما پس از آن این محدودیت‌ها به تدریج برداشته خواهد شد.

نتانیاهو با انتقاد شدید از آمریکا و دیگر متحدان سرسخت اسرائیل گفت: «به نظر می‌رسد آنها این تعهد را کنار گذاشته‌اند و در حال پذیرش این موضوع هستند که ایران به تدریج ظرف چند سال، به توانمندی تولید مواد لازم برای ساخت شمار زیادی سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. آنها ممکن است این موضوع را بپذیرند اما من نمی‌خواهم چنین چیزی را بپذیرم. من به کاخ سفید احترام می‌گذارم. به رئیس‌جمهور آمریکا هم احترام می‌گذارم اما وظیفه من است درباره چنین موضوع سرنوشت‌سازی که می‌تواند تعیین کند آیا ما وجود داشته باشیم یا خیر، هر کاری می‌توانم برای جلوگیری از این خطر بزرگ برای اسرائیل انجام دهم».

کری با بیان سخنانی در کنگره، نگرانی‌های نتانیاهو را رد کرد و گفت: «توافقنامه موقت سال ۲۰۱۳ با ایران که نخست‌وزیر اسرائیل با آن نیز مخالف بود، در واقع از طریق توقف جنبه‌های اصلی برنامه هسته‌ای ایران، اسرائیل را امن‌تر کرده است».

کری گفت: «ممکن است وی قضاوتی کند که در این باره درست نباشد».

آسوشیتدپرس

کاهش سانتریفیوژها
احتمال ساخت بمب اتم را محتمل‌تر می‌کند

تسیپی بن گدالیاهو: «مایکل مورل»، مدیر سابق سازمان سیا و تحلیلگر سی‌بی‌اس در برنامه «چارلی رز» اظهار داشت: «یک توافقنامه که تعداد سانتریفیوژهای ایران را کاهش دهد، می‌تواند آنها را برای تولید انرژی هسته‌ای بی‌مصرف کند اما برای تولید تسلیحات هسته‌ای می‌تواند مفید باشد».

اگر شما بخواهید برنامه‌ای برای ساخت تسلیحات هسته‌ای داشته باشید، تعداد ۵هزار سانتریفیوژ برای ساخت آن کافی است اما اگر شما بخواهید از انرژی هسته‌ای برق تولید کنید، به تعداد بیشتری سانتریفیوژ نیاز خواهید داشت. با محدود کردن ایرانی‌ها به تعداد کمتری سانتریفیوژ، ما آنها را به تعدادی محدود کردیم که برای ساخت تسلیحات هسته‌ای نیاز است. ایران حدود ۱۹ هزار سانتریفیوژ دارد که ۱۰ هزار تا از آنها فعال است. براساس گزارش‌ها، پیشنهاد ایران برای توافق با ایران به این کشور اجازه می‌دهد که ۶ هزار و ۵۰۰ سانتریفیوژ داشته باشد. دولت اوباما از تعداد سانتریفیوژها سختی نگفته است اما این تعداد را مقامات دولت نتانیاهو اعلام کرده و گفته‌اند زمانی که مساله غنی‌سازی اورانیوم مطرح می‌شود، اهمیت نوع و سایز این سانتریفیوژها از تعداد آن کمتر نیست.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا فکر می‌کند می‌تواند به توافقی دست یابد که مانع ایران در ساخت تسلیحات هسته‌ای برای ۲ دهه شود اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید ایران در حال زمان خریدن است و نمی‌توان مطمئن بود ایران به هر توافقی پایبند باشد. بر این اساس، هر توافقی که با ایران منعقد شود، یک توافق بد است.

تصور می‌شود اوباما می‌خواهد تعداد سانتریفیوژها را تا حدود ۵ هزار کاهش دهد، رقمی که مورل معتقد است این میزان برای ساخت تسلیحات هسته‌ای کافی است.

«متیو بان»، استاد دانشگاه هاروارد در مصاحبه با «پاندیت فکت» گفت: «برخی افراد فکر می‌کنند حتما شما به یک سیستم غنی‌سازی بزرگ‌تر نیاز دارید تا بتوانید مواد غنی‌شده ۹۰ درصدی لازم برای ساخت بمب اتم را به دست آورید و مواد غنی‌شده ۴ تا ۵ درصد برای سوخت رآکتورهای برق استفاده می‌شود اما دقیقا خلاف آن صادق است. یک رآکتور هسته‌ای که ایران ادعا می‌کند برای اهداف مسالمت‌آمیز ساخته می‌شود، به چندین تن اورانیوم نیاز دارد. در حالی که یک بمب اتم به ۵۰ پوند اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا نیاز دارد».

بان در ادامه تشریح کرد می‌توان از اورانیوم تولیدشده با غلظت پایین‌تر مواد غنی‌شده تولید کرد، هرچند سخت‌تر است.

به همین دلیل است که نتانیاهو ۳ سال پیش در سازمان ملل گفت: «ایران باید اورانیوم با غنای صفر درصد داشته باشد».

وی افزود: «اگر ایران، اورانیوم غنی‌شده با غلظت ۵ درصد داشته باشد، بیش از دوسوم مسیر برای داشتن اورانیوم ۲۳۵ با غنای ۹۰ درصد که برای ساخت تسلیحات لازم است، طی شده است». شورای ملی مقاومت ایران [منافقین] یک گروه مخالف دولت ایران تاکید می‌کند رژیم ایران به طور سیستماتیک به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل دروغ گفته است و سایت‌های مخفی غنی‌سازی اورانیوم موسوم به «لویزان ۳» را در تاسیسات زیرزمینی در نزدیکی تهران ساخته است.

پایگاه اینترنتی جوئیش پرس

اسرائیل اقدامات خود ضد برنامه هسته‌ای ایران را تشدید کرد

HAARETZ

سفارت اسرائیل در آمریکا پویشی را علیه مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا، قدرت‌های غربی و ایران آغاز کرده است. سفارت اسرائیل صفحه اول و ساختگی از روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز را به تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۲۵ میلادی/۱۱ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی منتشر کرد که در آن گزارش شده بود «چگونه ایران، جهانیان را در توافق هسته‌ای فریب داد». این تاریخ، ۱۰ سال پس از تاریخی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید چارچوب این توافقنامه امضا خواهد شد.

در این پویش بر «مهلت انقضای توافق» تاکید شده است. بر این اساس، ظرف ۱۰ سال از امضای قرارداد، محدودیت‌های بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای ایران بتدریج کاسته و ۵ سال بعد به طور کامل برداشته می‌شود. در یک یادداشت متصل به این صفحه اول ساختگی آمده است: «عناوین خبرهای آینده پس از توافقی بد». تیتر اصلی این روزنامه این است: «روحانی رئیس‌جمهور ایران اعلام کرد: ما چگونه غرب را فریب دادیم».

در تیتر فرعی نیز آمده است: «گروه ۱+۵ : متاسفیم».

دیگر عناوین این صفحه که سفارت اسرائیل در واشنگتن آنها را طراحی کرده است، می‌گویند: «با وجود بازرسان، ایران به طور غیرقانونی به تجهیزات تکمیل رآکتور پلوتونیومی اراک دست یافته است». «سپاه پاسداران نسل جدیدی از موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای را آزمایش کرد» و «سازمان ملل: افزایش نگران‌کننده اعدام‌های ایران توسط رژیم میانه‌رو این کشور». سفارت اسرائیل در صفحه خود در توئیتر نوشت: نتانیاهو و افرادش می‌گویند «زمان انقضای توافق»، یکی از خطرناک‌ترین موارد در این توافق است. این موضوع ایران را قادر خواهد ساخت ظرف ۱۵-۱۰ سال با مشروعیت کامل بین‌المللی به غنی‌سازی اورانیوم در سطح صنعتی بپردازد.

دولت آمریکا این موضوع را رد می‌کند که محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران در ۱۰ سال برداشته خواهد شد و می‌گوید حتی پس از اجرای کامل توافقنامه، ایران موظف خواهد بود براساس پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای عمل کند.

انتظار می‌رود توئیت‌های بیشتری در چند روز آینده به همین شکل در صفحات توئیتر دفتر نخست‌وزیری و سفارت اسرائیل در واشنگتن ظاهر شود.

پیش‌بینی می‌شود این توئیت‌ها موجب بالا رفتن سطح دلخوری در کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا از نتانیاهو شود.

هاآرتص

اوباما درباره برنامه هسته‌ای ایران دروغ گفته است

NEW YORK POST

مایکل گودوین: گزارش‌ها مبتی بر اینکه باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا موافق است ایران باید آزاد باشد پس از حدود ۱۰ سال یک بمب اتم بسازد، دروغ بودن قول‌های مکرر او را نشان می‌دهد که هرگز اجازه ساخت بمب اتم را به ایران نمی‌دهد. این وعده عمل نشده مشابه وعده‌هایی است که اوباما درباره مراقبت‌های بهداشتی در داخل آمریکا داده است. اوباما به این وعده داخلی خود نمی‌تواند عمل کند ولی ایران می‌تواند اورانیوم غنی‌شده خود را نگه دارد و این موضوع موجب می‌شود این دروغ به بمب خبری حتی بزرگ‌تری تبدیل شود. گزافه‌گویی درباره فاجعه بالقوه توافق در حال شکل‌گیری، غیرممکن است. اگر مفاد گزارش‌شده توسط آسوشیتدپرس، وال‌استریت ژورنال و رسانه‌های دیگر نهایی شود، این بدان معنی است که آمریکا و قدرت‌های برجسته سازمان ملل لطف خود را شامل حال بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان برای دستیابی به سلاح اتمی می‌کنند. این کار عملا پاداش به ایران برای چند دهه رفتار مجرمانه و اقدامات جنگی علیه آمریکا، اسرائیل و دیگران است. توافق جدید همچنین موجب دور جدیدی از گسترش تسلیحات هسته‌ای در میان کشورهای عربی می‌شود و عربستان سعودی مدتی طولانی قول داده است اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند ریاض نیز همین کار را خواهد کرد. دیگران که نگران تسلط ایران هستند نیز به طور قطع این رویه را دنبال می‌کنند. در نتیجه، الگوی اقدامات متقابل در منطقه، به یک کابوس هسته‌ای تبدیل می‌شود. به طور خلاصه باید گفت چشم‌انداز هسته‌ای که در حال اتفاق افتادن است، تمام بشریت را با خطری بی‌سابقه روبه‌رو می‌کند. مفاد توافقنامه در حال شکل‌گیری ـ آنطور که مذاکره‌کنندگان به خبرنگاران توضیح داده‌اند ـ تاییدی بر این نگرانی‌هاست که اوباما برابر خواسته‌های ایران تسلیم می‌شود در حالی که ادعا می‌کند چنین کاری را انجام نداده است. اوباما با توافقی موافقت کرد که در آن کاهش مرحله‌ای محدودیت‌ها در مدت یک دهه پیش‌بینی شده است. این وضع اجازه می‌دهد اوباما بگوید جلوی چشم وی هیچ سلاح هسته‌ای وجود نخواهد داشت. این موضوع در عمل بی‌معنی است. مهر تایید آمریکا بر ایران هسته‌ای فورا موجب دگرگونی استراتژی ژئوپلیتیک خواهد شد. اسرائیل با دوره جدیدی از خطر شدید مواجه است. اسرائیل با یک دشمن درصدد نسل‌کشی و خیانت‌های طولانی‌ترین و نزدیک‌ترین متحد خود روبه‌رو است. این خیانت با انتقاد «جان کری» وزیر خارجه آمریکا از منتقدان ـ احتمالا شامل بنیامین نتانیاهو ـ ادامه یافت.

کری در سخنان خود در مجلس سنا گفت: «هر کسی که اکنون هر جایی فورا می‌گوید ما از این توافق خوشمان نمی‌آید یا چنین و چنان است، نمی‌داند توافق چیست. هنوز توافقی وجود ندارد». این موضوع تنها از لحاظ فنی صحیح است زیرا اوباما و کری جزئیات را مخفی نگه داشته‌اند. این اوضاع یادآور این است که چگونه کاخ سفید جزئیات مربوط به طرح مراقبت بهداشتی را مخفی نگه داشت تا این لایحه به تصویب رسید. این همان کاری است که درباره مقررات اینترنت در حال انجام است. ایران به تازگی گفته آمریکا «بشدت» به دنبال یک توافق است و دلایل روشن هستند. گرفتن امضای ایران پای یک سند ـ هر سندی ـ اجازه می‌دهد اوباما با معرفی این توافق به صورت بهترین اقدام ممکن و غیرقابل توقف کردن آن، امکان مانور را از نتانیاهو بگیرد. در عین حال، اگر کنگره قدرت خود را نشان دهد وضع فرق می‌کند. کاخ سفید می‌گوید اوباما قصد ارسال توافق هسته‌ای به مجلس سنا برای تصویب را ندارد با این استدلال که این توافق، فاقد مشخصات یک معاهده است. اسرائیل و متحدان عرب ما باید به این مساله توجه داشته باشند اما همه اینها بستگی دارد که آیا دموکرات‌ها وفاداری به اوباما را نسبت به وظیفه خود در قبال امنیت ملی آمریکا در اولویت قرار خواهند داد؟ اشتباه نکنید! اوباما توافقی بسیار بد برای آمریکا و جهان به دست آورده است.

نیویورک‌پست

وزیر اطلاعات اسرائیل: از توافق اتمی با ایران خوشحال می‌شویم

رونن برگمن و هولگر اشتارک: «ما مخالف توافق هسته‌ای با ایران نیستیم و نمی‌خواهیم از تحقق این معامله چشم‌پوشی کنیم».

اشتاینیتز ۵۶ ساله که پیش از انتصاب به سمت وزیر ارتباطات بین‌المللی و سرویس‌های امنیتی، وزیر دارایی اسرائیل بود، به حزب محافظه‌کار لیکود وابسته به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل متعلق است. وی در پاسخ به نخستین سوال ما [خبرنگاران اشپیگل] که پرسیدیم: «دستیابی به توافقنامه هسته‌ای با ایران در ماه مارس آینده را تا چه میزان واقع‌گرایانه می‌دانید؟» اظهار داشت: «همچنان شک و تردید زیادی به این توافق وجود دارد. چون مساله تنها تعداد دستگاه‌های سانتریفیوژ ایران نیست بلکه ۳ مساله اساسی دیگر نیز در این میان مطرح است که برای به اصطلاح «سناریوی فرار هسته‌ای»، تعیین‌کننده است. در چنین سناریویی، ایران برای تولید اورانیوم غنی‌شده کافی با هدف ساخت یک بمب اتم، زمان در اختیار خواهد داشت».

او در پاسخ به این سوال که مسائل مورد مناقشه و بحث‌برانگیز دقیقا چه مواردی است، خاطرنشان کرد: «در زمینه تعداد دستگاه‌های سانتریفیوژ، نوعی نزدیکی در نظرات طرفین مذاکره به‌وجود آمده است. چون ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل به همراه آلمان که در حال مذاکره با ایرانند. همچنان فعال بودن چندهزار سانتریفیوژ را به مقامات تهران اجازه داده‌اند. با توجه به آنکه ایران در این مساله، وارد مصالحه و سازش شده است، باید گفت اینها پیشرفت محسوب می‌شود. اما مهم‌تر از آن اینکه تکلیف مابقی سانتریفیوژها و زیرساخت‌های آن در ایران چه می‌شود؟» اشتاینیتز افزود: «زیرساخت‌های هسته‌ای ایران باید از بین برود و این مساله‌ای است که تاکنون لاینحل باقی مانده است». وزیر اطلاعات اسرائیل در واکنش به اینکه چطور می‌خواهید با این درخواست ایران که در آینده نیز بتواند همچنان به تحقیقات اتمی‌اش ادامه دهد، برخورد کنید، گفت: «چنانچه ایران در طول دوران توافق اتمی اجازه یابد سانتریفیوژهای خود را بیشتر توسعه دهد، این کار ۶ تا ۱۰ مرتبه از قبل موثرتر خواهد بود. با این کار در واقع زمان فرار اتمی ایران به‌طور ملموسی از یک سال به ۴ ماه کاهش خواهد یافت».

او ادامه داد: «چنانچه فرآیندهای تحقیق و توسعه به‌موجب این توافقنامه مجاز اعلام شود، این یعنی آنکه ایران می‌تواند دانش اتمی را از کشورهایی نظیر آمریکا یا روسیه خریداری کند. البته کشورهای مذاکره‌کننده، به دست کم یک سال زمان وقفه در توسعه برنامه اتمی ایران اصرار دارند اما موضع ما آن است که این وقفه به چندین سال افزایش یابد». یووال اشتاینیتز با این حال تاکید کرد: «به هر تقدیر راه منتهی به یک توافق همچنان باز است».

ما [خبرنگاران اشپیگل] سوال کردیم: «در تازه‌ترین دور مذاکرات هسته‌ای که چند روز پیش برگزار شد، مواضع طرفین مذاکره بیش از گذشته به هم نزدیک شده بود. به نظر می‌رسد دستیابی به یک مصالحه که برنامه اتمی ایران را به مدت ۱۰ سال به حال تعلیق درآورد، امری قابل تصور باشد. نظر شما در این باره چیست؟» وزیر اطلاعات اسرائیل در پاسخ گفت: «گزارش‌های منتشره درباره معامله‌ای که به ایرانی‌ها اجازه می‌دهد تعداد ۶۵۰۰ دستگاه سانتریفیوژ خود را همچنان به‌طور فعال نگاه دارند و پس از چند سال هم بتوانند تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم‌شان را بیشتر توسعه دهند، برایم نگران‌کننده است. تحقق یک چنین معامله‌ای، ایران را در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت برخوردار از تسلیحات اتمی قرار خواهد داد. این مزیت به ایران امکان می‌دهد مواد قابل شکافت اتمی تولید کند؛ موادی که ظرف ۱۰ تا ۱۲ سال بعد نیز همچنان خطرناک خواهد بود. در آن‌صورت ایران تنها به چند هفته زمان برای تولید این مواد قابل شکافت و در نهایت ساخت چندین بمب اتم نیاز خواهد داشت. به همین خاطر من امیدوارم کشورهای مذاکره‌کننده، وارد چنین معامله‌ای با ایرانی‌ها نشوند».

وزیر اطلاعات اسرائیل در پاسخ به این سوال که اگر ایران چه تعداد سانتریفیوژ فعال داشته باشد، از نظر شما قابل قبول است، گفت: «بحث درباره تعداد سانتریفیوژها و اعمال محدودیت در برنامه غنی‌سازی اورانیوم به خطا رفته است». او گفت: «ایران می‌تواند از انرژی صلح‌آمیز اتمی برخوردار باشد و همانند کشورهای دیگر جهان نظیر اسپانیا، سوئد و کانادا فاقد برنامه غنی‌سازی اورانیوم باشد. دنیا بخوبی می‌داند این انرژی اتمی به معنای تسلیحات اتمی نیست و داشتن این برنامه در مسیر دستیابی به جنگ‌افزارهای اتمی تلقی نمی‌شود. با این حال متاسفانه ماموریت مذاکرات اتمی با ایران، وارد مسیر دیگری شده است. در واقع هدف این ماموریت، برنامه [غنی‌سازی] نیست بلکه تنها اعمال محدودیت است. این بدان معناست که مشکلات و خطرات همچنان به قوت خود باقی خواهد بود و این کافی نیست».

او در پاسخ به این سوال که از منظر اسرائیل چه چیز باید اتفاق افتد، گفت: «ما می‌خواهیم مطمئن شویم این تهدید، دیگر وجود خارجی ندارد». وی ادامه داد: «ما از تلاش‌های کشورهای مذاکره‌کننده بویژه دوستان آمریکایی‌مان که با آنها گفتمان خوب و سازنده داریم، استقبال می‌کنیم». وزیر اطلاعات اسرائیل با تاکید بر آنکه اسرائیل مخالف توافقنامه (اتمی با ایران) نیست، افزود: «اتفاقا ما خوشحال هم می‌شویم که این توافق عملی و اجرایی شود. با این حال رویکرد ما آنطور که تاکنون بوده، رویکردی محتاطانه است». اشتاینیتز در واکنش به این سوال که آیا شما توافقی را که به ایران اجازه غنی‌سازی دهد، توافق خوبی می‌دانید، ابراز داشت: «تنها عوامل الزام‌آور برای ما حفظ موجودیت و امنیت اسرائیل و وظیفه‌ای است که ما در دفاع از آینده‌مان برعهده داریم. باید از تاریخ درس گرفت. ظرف ۱۲ سال گذشته، ۲ توافقنامه اتمی با کشورهای شرور منعقد شد که یکی مربوط به توافقنامه سال ۲۰۰۳ با لیبی و دیگری مربوط به کره‌شمالی در سال ۲۰۰۷ میلادی بوده است». وی ادامه داد: «با وجودی که لیبی از ادامه برنامه اتمی‌اش به‌کلی صرفنظر کرد اما کره‌شمالی تنها آن را به حال تعلیق درآورد و ۴ سال بعد، دوباره آن را از سر گرفت. مشاهده می‌کنید که ۲ معامله اتمی با ۲ نتیجه کاملا متفاوت در این مدت بوقوع پیوست. امروز کره‌شمالی، بیش از ۱۰ بمب اتم در اختیار دارد و کره‌جنوبی، ژاپن و حتی آمریکا را نیز تهدید می‌کند. با این همه به نظر می‌رسد معامله اتمی با ایران باید بیشتر به توافق هسته‌ای با لیبی شباهت داشته باشد تا کره‌شمالی».

هفته‌نامه آلمانی اشپیگل

www.Hemmat110.com
خیریه همت
اولین خیریه سایبری
مساله محور در ایران
*۷۲۰*۶*۵#
۳۰۰۰۱۰۱۰۴۰

دو روی یک سکه

تیتر یک ادامه از صفحه اول

یک راه ساده این است که ببینیم یک توافق خوب از دید مذاکره‌کنندگان آمریکایی چه ویژگی‌هایی دارد و آیا اسرائیل حقیقتا با این ویژگی‌ها به طور راهبردی مخالف است یا نه؟

آنطور که از مجموعه ادبیات رسمی و تحلیلی تولیدشده از سوی منابع آمریکایی می‌توان فهمید، دولت اوباما معتقد است اگر یک توافق هسته‌ای بتواند ۳ مشخصه زیر را برای زمانی حدودا یک‌دهه‌ای بر برنامه هسته‌ای ایران تحمیل کند، یک توافق خوب خواهد بود.

۱- افزایش دادن زمان گریز هسته‌ای به یک سال از طریق محدود کردن ابعاد غنی‌سازی با این هدف که در صورت وقوع هرگونه گریز هسته‌ای، یک زمان حداقل یک ساله برای واکنش نشان دادن به آن وجود داشته باشد.

۲- ایجاد شفافیت فراپروتکلی در برنامه هسته‌ای ایران به گونه‌ای که هرگونه گریز هسته‌ای در کوتاه‌ترین زمان ممکن قابل شناسایی باشد.

۳- تبعات هرگونه نقض توافق بسیار شدید و کاملا روشن باشد.

سوال این است که فراتر از لفاظی‌های موجود، اسرائیل دقیقا با چه چیزی در این میان مخالف است؟ در اینکه اسرائیل هم همانند آمریکا خواهان افزایش زمان گریز هسته‌ای ایران به عنوان اصلی‌ترین ویژگی یک توافق خوب است هیچ تردیدی نیست. اساسا مستنداتی نزد نویسنده وجود دارد که نشان می‌دهد مفهوم Break Out، اول بار از سوی اسرائیلی‌ها ابداع و به جامعه امنیت ملی آمریکا منتقل شده است. ممکن است اینگونه به نظر برسد که اسرائیل با زمان‌بندی یک ساله برای گریز هسته‌ای مخالف است و مثلا آنگونه که یووال اشتاینیتز، وزیر امور اطلاعاتی و راهبردی رژیم صهیونیستی گفته خواهان افزایش آن به بیش از ۳ سال است. حتی اگر فرض کنیم چنین اختلافی وجود دارد اولا این اختلاف به هیچ‌وجه یک اختلاف راهبردی نیست و ثانیا از آنجا که گزینه‌های موجود برای برخورد با گریز هسته‌ای ایران در بازه‌های زمانی یک یا ۳ ساله اساسا تفاوت چندانی با هم نخواهد داشت، منطقی نیست فکر کنیم صهیونیست‌ها صرفا برای افزایش زمان گریز این همه سر و صدا به راه انداخته‌اند؛ ضمن اینکه برخی اطلاعات نشان می‌دهد اسرائیل حتی آماده پذیرش زمان گریز ۶ماهه هم هست.

درباره ویژگی دوم یعنی افزایش شفافیت برنامه غنی‌سازی در ایران که در واقع به معنای افزایش دسترسی سرویس‌های اطلاعاتی غربی به برنامه هسته‌ای ایران است هم هیچ تفاوتی میان اسرائیل و آمریکا وجود ندارد. در این باره نه فقط اختلافی نیست بلکه کدهایی وجود دارد که ثابت می‌کند اسرائیل بدون اینکه سروصدا کند عقیده دارد مساله شفافیت و دسترسی اطلاعاتی به تاسیسات، مواد، تجهیزات و نیروی انسانی ایران در صنعت هسته‌ای، حتی از محدود شدن برنامه غنی‌سازی ایران هم مهم‌تر است، چرا که اسرائیل به این ترتیب به اطلاعاتی دست خواهد یافت که به هیچ روش دیگری نمی‌تواند آن را به دست بیاورد و این خیلی مهم‌تر از محدود شدن تاسیساتی است که صهیونیست‌ها می‌دانند در نهایت بنا نیست در آن هیچگونه کار تسلیحاتی انجام شود.

درباره ویژگی سوم هم اختلافی وجود ندارد. هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی عقیده دارند تبعات هرگونه نقض توافق از همین حالا باید برای ایران کاملا شفاف باشد. جالب است که وقتی به محیط تحلیلی آمریکا نگاه می‌کنیم می‌بینیم میان تحلیلگرانی مانند رابرت آینهورن که کاملا به دولت آمریکا نزدیک هستند و افرادی مانند دنیس راس که مستقیما دیدگاه‌های اسرائیل را نمایندگی می‌کنند درباره اینکه این ۳ اصل – و نه هیچ اصل دیگری - تعیین‌کننده میزان مطلوبیت توافق است اتفاق نظر کامل وجود دارد بنابراین می‌توانیم فرض کنیم که پس پرده، تیم‌های امنیت ملی آمریکا و رژیم صهیونیستی هم در این باره تفاهم کرده‌اند. نکته دیگر در این بحث این است که توجه کنیم یکی ـ دو نکته مهم وجود دارد که ۲ طرف درباره آن تا حدی دچار اختلاف هستند ولی این اختلاف به هیچ‌وجه به آن نتیجه‌ای که دوستداران آمریکا در ایران می‌خواهند متجر نمی‌شود یعنی هرگز نمی‌توان از آنها نتیجه گرفت اسرائیل خواهان به هم خوردن بازی یا عدم حصول هرگونه توافق با ایران است و اوباما شمشیر کشیده و صبح تا شب با اسرائیل بر سر این موضوع می‌جنگد.

قبل از اینکه به این حوزه‌های اختلاف بپردازیم توجه به این مساله بسیار حیاتی است که این اختلافات میان اسرائیل و آمریکا نیست بلکه میان تیم ۳ نفره نتانیاهو، یعلون و اشتاینیتز از یک طرف و چهره‌هایی مانند تامیر پاردو رئیس موساد، یوسی کوهین مشاور امنیت اسرائیل و گادی آیزنکوت رئیس ستاد ارتش این کشور است که کاملا مانند دولت اوباما فکر می‌کنند و در روزهای اخیر هم آشکارا به انتقاد از نتانیاهو پرداخته‌اند (پاردو گفته است اعمال تحریم جدید به معنای پرتاب کردن نارنجک به اتاق مذاکرات است. کوهین در گفت‌وگو با جفری گلدبرگ از آتلانتیک آرزو کرده نتانیاهو هرگز در کنگره سخنرانی نکند و آیزنکوت هم گفته بر خلاف نتانیاهو تصور می‌کند مهم‌ترین تهدید برای اسرائیل مساله فلسطین است نه ایران). بنابراین همین جا لازم است این نکته روشن شود که جامعه نظامی و امنیتی اسرائیل به هیچ‌وجه با دیدگاه‌های نتانیاهو در موارد محل اختلاف با آمریکا موافق نیست و نمایندگان این دیدگاه‌ها در اسرائیل صرفا یک تیم ۳ نفره بسیار رادیکال هستند که عمدتا دارای انگیزه‌های سیاسی هستند تا اینکه نگرانی‌های امنیت اسرائیل را داشته باشند.

حوزه اول محل اختلاف میان نتانیاهو و اوباما مربوط به تخمین میزان اثرگذاری تحریم‌های بیشتر بر استراتژی مذاکراتی ایران است. همانطور که نتانیاهو شامگاه سه‌شنبه گفت وی هم باور ندارد هیچ طرفی از جمله رژیم صهیونیستی توان حمله نظامی به ایران را داشته باشد (قابل توجه همه کسانی که سال‌های طولانی در ایران تصور می‌کردند جایگزین توافق نکردن، جنگ است) و تنها ابزار قابل اتکا در دست غرب همین رژیم تحریم‌های فعلی است. ظاهرا نتانیاهو عقیده دارد همانطور که تحریم‌ها تا اینجا ایران را پای میز مذاکره آورده و به امتیازدهی وادار کرده است، با افزایش تحریم‌ها می‌توان از ایران امتیازهای بیشتری گرفت و به توافقی بهتر رسید. متقابلا آمریکایی‌ها استدلال می‌کنند که سقف توان تحریم‌ها برای اعمال فشار بر ایران همین چیزی است که اکنون مشاهده می‌کنیم و افزایش تحریم‌ها تنها نتیجه‌ای که خواهد داشت این است که اولا اجماع بین‌المللی شکل گرفته درباره اجرای تحریم‌ها را فروبپاشد و ثانیا این احتمال وجود دارد ایران با مشاهده تحریم‌های بیشتر میز مذاکرات را ترک کند و همه چیز از دست برود. این اختلافی است که می‌توان پذیرفت تا حدودی واقعی است ولی سوال مهمی که در اینجا باقی می‌ماند این است که چه چیز اسرائیل را به این جمع‌بندی رسانده است که می‌تواند با فشار بیشتر امتیازهای بیشتری از ایران بگیرد. آیا عاملی جز رفتار جریان غربگرا در ایران منشأ این توهم خطرناک در ذهن صهیونیست‌ها بوده است؟ آیا بابت این اشتباه محاسباتی جدی جز آنها که غرب را متقاعد کردند تحریم یک ابزار کارآمد است و به دروغ از خالی بودن خزانه و به اضطرار افتادن کشور سخن گفتند، کس دیگری را باید ملامت کرد؟ همین مقدار اطمینانی هم که آمریکا مطمئن است ایران در صورت افزایش فشارها میز مذاکره را ترک خواهد کرد بدون شک به هر کسی مربوط باشد به دولت و تیم مذاکره‌کننده که به غرب پیغام داده‌اند هر توافقی را بهتر از توافق نکردن می‌دانند، مربوط نیست.

کلیدی‌ترین پاراگراف در سخنرانی نتانیاهو جایی است که می‌گوید: «برنامه اتمی ایران را می‌توان فراتر از پیشنهادهای داده‌شده، با اصرار بر یک توافق خوب، فشار روی یک رژیم بسیار آسیب‌پذیر، بویژه با توجه به فروپاشی اخیر در قیمت نفت، به عقب راند. در صورتی که ایران تهدید به خروج از میز مذاکرات کند که معمولا در خرید و فروش‌های ایرانی دیده می‌شود، آن را یک بلوف به شمار آورید، آنان باز خواهند گشت. زیرا نیاز آنان به یک توافق بسیار بیشتر از شماست. با حفظ فشار بر ایران و کسانی که با این کشور داد و ستد می‌کنند، شما قدرت این را خواهید داشت که نیازشان (به توافق) را به مراتب بیشتر نیز کنید».

بازیگر اصلی در این پاراگراف کیست؟ کدام آدرس‌های راهبردی، کدام مذاکرات مسیر ۲ و کدام تعامل شبانه‌روزی نتانیاهو را متقاعد کرده است که نظام ایران آسیب‌پذیر است؟ کدام جریان سیاسی این آدرس غلط را به دشمن داده است که ایران تحت هیچ شرایطی از پای میز مذاکره برنخواهد خاست؟ چه چیز به صهیونیست‌ها باورانده است که نیاز ایران به توافق بیش از آمریکاست؟ و این نیاز در صورت تشدید فشار می‌تواند بیشتر هم شود؟ پاسخ همه این پرسش‌ها دقیقا به یک جریان سیاسی خاص بازمی‌گردد که این روزها سخت در تلاش است رد خود را پاک کرده و این و آن را به آنچه خود شایسته آن است متهم کند؟

از این بخش از بحث یک نتیجه مهم می‌توان گرفت؛ نتانیاهو و تیمش مخالف توافق نیستند. دستاوردهایی که یک توافق می‌تواند برای آنها داشته باشد گاه از دستاوردهایی که می‌توانند بر اثر جنگ به دست بیاورند بیشتر است. این اتفاقی است که به اعتراف متخصصان آمریکایی در توافق ژنو رخ داده است و آنچه غرب در این توافق به دست آورده با جنگ نمی‌توانست به دست بیاورد. تنها نکته‌ای که وجود دارد این است که نتانیاهو عقیده دارد اگر یک فاز دیگر فشار به ایران طی شود، به دلیل وجود یک جریان سازشکار در ایران، می‌توان امتیاز بسیار کمتری به ایران داد و امتیازهای بسیار بیشتری از ایران گرفت.

اختلاف دومی که میان آمریکا و اسرائیل ظاهرا واقعی نمایانده می‌شود مربوط است به اینکه آیا پس از پایان یافتن زمان اعتمادسازی، محدودیت‌هایی که بر برنامه غنی‌سازی ایران اعمال شده باید برداشته شود یا نه. نتانیاهو سه‌شنبه شب گفت اعتقاد دارد این محدودیت‌ها هرگز نباید برداشته شود و ادعا کرده آمریکا خواهان آن است که این محدودیت‌ها را به گونه‌ای بردارد که ایران را در آستانه هسته‌ای شدن رها کند. این اختلاف جزو آن مواردی است که ظاهری موجه دارد ولی در واقع نباید آن را جدی گرفت. حقیقت این است که هیچ کجای توافق ژنو و توافقی که احتمالا در آینده منعقد خواهد شد تضمینی مبتی بر اینکه محدودیت‌های اعمال شده بر برنامه غنی‌سازی ایران در زمانی مفروض در آینده رفع می‌شود، وجود نخواهد داشت. بر خلاف آنچه نتانیاهو می‌گوید دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم مثلا پس از ۱۰ سال ۲ رئیس بعد از اوباما اجازه خواهند داد ایران ۱۹۰ هزار سو غنی‌سازی انجام دهد. تنها تعهدی که آمریکایی‌ها در توافق ژنو داده‌اند و احتمالا در توافق نهایی هم همان را تکرار خواهند کرد این است که ایران پس از انقضای مهلت توافق نهایی بدل به یک عضو عادی معاهده عدم اشاعه خواهد شد. آیا عادی شدن پرونده ایران در آژانس به این معناست که ایران اجازه خواهد داشت هر میزان که تشخیص می‌دهد غنی‌سازی انجام بدهد؟ به هیچ‌وجه چنین اطمینانی وجود ندارد و هیچ روشنی هم نیست که از حالا بتوان از آمریکا درباره رفتاری که یک دهه بعد خواهد کرد تضمین گرفت بنابراین در این باره هم عملا اختلافی وجود ندارد. اسرائیل خواهان آن است که محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران هرگز برداشته نشود و آمریکا هم قصد دارد همین کار را انجام دهد اما مایل نیست علنا آن را اعلام کند، چرا که در این صورت امکان نهایی کردن توافق جامع را از دست خواهد داد.

اجازه بدهید خلاصه کنیم:

۱- بر خلاف آنچه بزک‌کنندگان چهره اوباما در ایران می‌گویند، هم اوباما و هم نتانیاهو خواستار توافق با ایران هستند اما نتانیاهو در حال ایفای نقشی است تا به اوباما کمک کند امتیاز بیشتری از ایران بگیرد و امتیاز کمتری به آن بدهد.

۲- اینکه نتانیاهو معتقد است توافق فعلی توافق بدی است مطلقا به این معنا نیست که جلوی این توافق را خواهد گرفت یا در صورت امضا علیه آن خواهد شورید. توافق نهایی قطعا از توافق ژنو برای آمریکا و اسرائیل بهتر خواهد بود و توافق ژنو توافقی است که اسرائیل اگر چاره‌ای نداشته باشد با هزار بار تمدید آن هم موافقت می‌کند. گزینه به هم زدن بازی یک گزینه واقعی نیست. اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها آنچه را برای رفع نگرانی‌های فوری‌شان نیاز داشتند در همان توافق ژنو از ایران گرفته‌اند و اکنون دعوا بر سر «ارزش‌های افزوده‌ای» است که می‌توان به توافق ژنو ملحق کرد.

۳- و در نهایت، از همین سخنان نخراشیده آقای نتانیاهو هم پیداست که ستون فقرات استراتژی آمریکا علیه ایران در یک دهه آینده حساب کردن روی توانایی‌های جریان غربگراست. آمریکا به اعتبار این جریان است که فکر می‌کند به تعبیر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی توافق نهایی «ایران را معتدل‌تر خواهد کرد». این جریان در سال ۸۸ به گونه‌ای سرمایه راهبردی اسرائیل در ایران بود و اکنون به گونه‌ای دیگر و ـ عمیق‌تر ـ در حال ایفای همان نقش است. هیچ درشت‌گویی و ناسزاسرایی قادر به پوشاندن خدمات استراتژیکی که این جریان تاکنون در ایران به اسرائیل کرده ـ و از این پس نیز اگر بتواند خواهد کرد ـ نیست.

از سوی سازمان اطلاعات سپاه
یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران بانکی و مفسد اقتصادی دستگیر شد

خبر آخر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در راستای وظایف و رسالت ذاتی خود و اجرای فرمان ۸ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در برخورد با مفاسد اقتصادی و بسترسازی برای ایجاد فعالیت‌های اقتصادی سالم و امن و تحقق عملی شعار مبارزه با فساد اقتصادی و مالی، با همکاری و صدور حکم قضایی، یکی از مفسدان اصلی اقتصادی کشور و از بدهکاران کلان سیستم بانکی را دستگیر و روانه زندان کرد. بنابر این گزارش، این مفسد اقتصادی و بدهکار کلان سیستم بانکی کشور، آقای «ح - ا» مشهور به داریوش است که با همراهی برادران خود و دیگر عوامل نفوذی، اقدام به راه‌اندازی شبکه فساد اقتصادی و سوءاستفاده از شرایط تحریم کشور کرده بودند.

این شبکه جهت تعمیق فعالیت‌ها و رسیدن به اهداف شوم موردنظر، اقدام به آلوده‌سازی افراد از طریق پرداخت رشوه‌های بسیار کلان و سازماندهی خانه فساد می‌کردند. آقای «ح - ا» با راه‌اندازی تعداد قابل‌توجهی شرکت‌های کاغذی، جعل اسناد و ایجاد چرخه دور اختصاصی در فرآیند فعالیت‌های اقتصادی با سندسازی و انهدام اسناد، مانع انجام کنترل، نظارت، بازرسی و پیگیری مفاسد اقتصادی خود از سوی دستگاه‌های مربوط می‌شده است. این فرد که یکی از محکومان اصلی پرونده فساد اقتصادی معروف در سال ۷۶ هم است، موارد اتهامی و پرونده‌های مختلفی از جمله اخلال در نظم اقتصادی کشور، قاچاق ارز، قاچاق کالا، قاچاق عتیقه و پرداخت رشوه‌های کلان در دستگاه قضایی دارد.

آقای «ح - ا» پس از آزادی از زندان در سال ۸۰ توانست با استفاده از خلأهای اقتصادی و قانونی و سوءاستفاده از برخی افراد و عوامل نفوذی، مجددا به فضای اقتصادی کشور بازگردد و در حوزه «کالاهای اساسی و مایحتاج ضروری مردم» فعالیت کند.

اما یکی از مهم‌ترین بخش‌های این پرونده این بود که به موازات تشدید تحریم‌ها از سوی دشمنان در سال‌های اخیر، وی با سوءاستفاده از شرایط اقتصادی کشور و با گرفتن ارزهای مرجع به صورت کلان، به جای مصرف در بخش واردات کالاهای اساسی و تأمین مایحتاج مردم، آنها را در بخش برج‌سازی سرمایه‌گذاری می‌کرد که خانه شخصی ۷ هزار متری یکی از املاک وی است. آن بخشی را هم که صرف خرید کالاهای اساسی می‌شد در داخل کشور به‌صورت قاچاق و با سودهای سرشار به فروش می‌رساند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرده است: این نهاد انقلابی به عنوان پرچمدار عدالتخواهی و مبارزه با فساد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، همواره بر خود فرض می‌داند در راستای تحقق عدالت اجتماعی، جلوگیری از شکل‌گیری باندهای فساد اقتصادی و شبکه‌های هرمی، اقدامات لازم را انجام دهد.

خاورمیانه به ایران رسید

یادداشت روز ادامه از صفحه اول

هدف اصلی از نمایش نه چندان بزرگ «دوگانه‌سازی قدرت» این بود که نخست‌وزیر رژیم در محاصره اسرائیل، با حمایت تمام عیار رسانه‌هایی همچون بی‌بی‌سی فارسی و سی‌ان‌ان «مرد جنگ‌های آینده خاورمیانه» معرفی شود که حتی بدون جلب نظر آمریکا نیز قادر به آغاز آتش‌بازی بزرگ با انگیزه نجات «دنیای صهیون» است! اما با کدام عِده و عُده؟! اسرائیل با ارتش ترسویی که به بهترین سلاح‌های پیشرفته جهانی مجهز است حتی از پس مردم بی‌دفاع و سال‌ها محاصره شده غزه برنیامد! حتی تصور جنگ رژیم درهم شکسته صهیونیست‌ها با لشکر داعش‌کش سردار قاسم سلیمانی نیز خنده‌دار است!

اما چرا چنین تئاتر فاش و مضحکی در آمریکا روی پرده رفت؟ مشکل کجاست که آمریکا و اسرائیل اینطور برای مهار برنامه هسته‌ای ایران از آبرو مایه می‌گذارند؟ آیا بحث اصلی همان طور که نتانیاهو می‌گوید بر سر مخاطرات بمب هسته‌ای ایران است؟

۱- قریب به ۲ سال پیش از این «وطن امروز» اولین رسانه‌ای بود که پرده از طرح «دوقطبی‌سازی قدرت» میان آمریکا و اسرائیل با هدف شکست ایران در «فتح خاورمیانه» برداشت. آن زمان نوشتیم: «دستگاه سیاست خارجی آمریکا با تغییر ژست از «کابوی خشمگین بی‌مغز» در دوره بوش به ورژن جهان‌فریب کلانتر عاقل جهانی یا «لوک خوش‌شانس» روی آورده است. کابویی که از ایجاد درگیری ساختگی با سایه خود - اسرائیل- در منطقه خاورمیانه سود برده و ماهی‌های چندتنی مانند «صلح جهانی»، «اتحاد فرامذهبی» و «نظم جدید جهانی» را به‌عنوان مقدمه تشکیل حکومت جهانی صید می‌کند!»

بنا بود ترس از داعش به ایجاد اتحادی فرامنطقه‌ای و ضد اسلام سیاسی منجر شود و نقشه پذیرش اسرائیل در کشورهای اسلامی از ترس توفق داعش بر منطقه با نام «صلح خاورمیانه» اجرایی شود اما ماجرا طور دیگری رقم خورد! اصل ماجرا همان است که نتانیاهو در آیپک با بدزبانی به آن اعتراف کرد: «ایران همچون عنکبوتی بزرگ یک به یک کشورهای خاورمیانه را می‌بلعد و بقای اسرائیل را در خطر قرار داده است».

۲- خاورمیانه از دوره جنگ‌های صلیبی تاکنون به لنگرگاه امنیت جهانی تبدیل شده است. اهمیت استراتژیک این منطقه بسیار فراتر از «قدرت نفت» است. چرا که دست‌کم در حال حاضر شاهد قربانی شدن نفت برای تضعیف قدرت «ناظم جدید منطقه» هستیم. صهیونیسم همان طور که نتانیاهو گفت «ناظم دموکراسی ظالمانه غرب» در منطقه ما بود که اکنون به واسطه قدرت گرفتن بیش از اندازه ایران در محاصره‌ای بدپایان و خوارکننده دست و پا می‌زند. دشمن خارجی منطقه اسرائیل است و حامی داخلی وی در جامعه اعراب، آل‌سعود. اکنون موجودیت هر دو شکل خارجی و داخلی حامی نظم جهانی در خاورمیانه با مخاطرات جدی روبه‌رو است و زوری برای آزمودن در تقابل با ایران قدرقدرت برای‌شان باقی نمانده است.

از طرفی حامی بزرگ آنها آمریکا به‌عنوان ابرقدرتی مطلق در موقعیت افول قرار گرفته و حتی در بلوک همپیمانان اروپایی خود نیز بشدت تضعیف شده است. آمریکا نه به اندازه‌ای قدرت دارد که اتحادیه اروپایی را از فروپاشی ناشی از بحران‌های اقتصادی بی‌پایان نظام سرمایه‌داری نجات دهد و نه از توان جمع کردن یک لشکر جهانی برای جنگ با ایران برخوردار است. شاید اگر آمریکا در جنگ با فرزندان خودساخته‌اش در عراق و سوریه جدی بود و رأی به نابودی داعش به دست خود می‌داد، اندکی سرعت افولش کاهش می‌یافت! اما در آن صورت ناچار به قربانی کردن اسرائیل و ایده جهانی صهیونیسم می‌شد. پس دستگاه سیاست خارجی آمریکا در تصمیمی غلط رأی به «حفظ اسرائیل» در برابر خطر افزایش نفوذ و برتری ژئوپلیتیک ایران به واسطه «جنگ با داعش» در کل منطقه خاورمیانه داد.

۳- می‌توان اینطور گفت که غربی‌ها داعش را به وجود آوردند تا قدرت همه کشورهای منطقه خاورمیانه را توامان تضعیف کند و تنها اسرائیل و سعودی را به‌عنوان حامیان مالی و فکری خود در امان گذارد. پس تبلیغات پیرامون شدت خطرناکی این وحشیان آخرالزمانی خونخوار را حداکثری کردند. غافل از اینکه پس از قدرتنمایی حداکثری غرب درباره توانایی‌های داعش، لشکری متحد از مسلمانان شیعه و سنی و کرد در «اتحادی فرامنطقه‌ای» به جنگ با آنها پرداخته و اتفاقا تا اینجای کار موفق نیز بوده‌اند. به این ترتیب همه پایه‌های نظم جهانی سابق یکجا به لرزه درآمد! چرا که ناجی امنیت و آرامش مردم خاورمیانه، از قدرت ایجاد نظمی نوین برخوردار است.

اکنون آمریکا و اسرائیل در حال تلاش جدی و نافرجام برای متوقف کردن ایران در خاورمیانه و جلوگیری از فراگیری نظم جدید جهانی هستند که ناظم آن کسی است که از پس شکست جدی‌ترین تهدید فرامنطقه‌ای مردم غرب و جنوب غرب آسیا و حتی شمال آفریقا برآید. همزمانی عملیات آزادسازی تکریت و پیروزی انصارالله در یمن و هراس سعودی‌ها از شیفت داعشی‌ها پس از فرار از منطقه به سمت مرزهای آنها نشان از آن دارد که موقعیت اسرائیل و حامیان منطقه‌ای آمریکا بسیار بحرانی است. آمریکا هر چند مذاکره‌کنندگان ایرانی را تهدید به ترک توافق می‌کند اما حقیقت این است که حاضر به از دست دادن آخرین موقعیت برای جلب نظر ایران در جبهه سرمایه‌داری با وعده‌های سرخرمن اقتصادی نیست. علت اصلی بازی مشترک اوباما- نتانیاهو نیز جلب نظر ایران برای توافق با کمترین هزینه است.

اما حقیقت این است که آمریکایی‌ها اگر عاقل بودند بسیار پیش از پیروزی‌های اخیر همپیمانان ایران در عراق و سوریه و یمن باید امتیازدهی به دولت دکتر روحانی را بی‌چون و چرا آغاز می‌کردند و به ابرقدرت نوظهور فرامنطقه‌ای پیام «تبریک و پذیرش» در باشگاه قدرت‌های جهانی می‌فرستادند. چنین نکردند و اکنون ناچارند نابودی یک به یک متحدان منطقه‌ای‌شان از اسرائیل تا عربستان را به واسطه سیاست‌گذاری‌های غلط به تماشا بنشینند و دوره افول را با تلخ‌کامی به پایان برسانند. به این ترتیب مورخان خواهند نوشت «زیاده‌طلبی» و تاکید بر سیاست‌ورزی غلط داعشی- صهیونیستی- سعودی، عملا موجب شد خاورمیانه به‌عنوان غنیمت جنگ با داعش به ایران تقدیم شود. این سیاستبازی غلط اوباما- نتانیاهو به سبب کمک‌رسانی به پذیرش و تثبیت هر چه سریع‌تر قدرت فرامنطقه‌ای ایران در هر حال شایسته تقدیر است!